

## شناسایی عوامل ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی، مطالعه نظریه داده بنیاد

علی درخش<sup>۱</sup>،<sup>۲</sup>

خالد اصلانی<sup>۳</sup>\*

امین کرابی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۸/۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۹/۱۲

### چکیده

ازدواج سالم و موفق، نقش بنیادین در تشکیل خانواده سالم ایفا می کند. هدف پژوهش حاضر، شناسایی عوامل ازدواج موفق است. این پژوهش با شیوه کیفی و با استفاده از روش نظریه داده بنیاد انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوج های ساکن شهر یاسوج بوده که دارای حداقل ۵ سال سابقه زندگی مشترک می باشند و به منظور تعیین نمونه، از روش نمونه گیری هدفمند، آزمودنیها انتخاب شدند و تا رسیدن به اشباع نظری، در نهایت ۲۶ نفر (۱۳ زوج) دارای ازدواج موفق مورد مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته قرار گرفته و با استفاده از روش مقایسه ای مداوم استراوس و کوربین مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته های پژوهش نشان داد عوامل ازدواج موفق طیف گسترده ای را در برمی گیرد. عوامل شناسایی شده عبارت بودند از عوامل فردی، عوامل مربوط به رابطه زوجی، عوامل مربوط به خانواده اصلی زوجین، عوامل فرهنگی - اجتماعی و عوامل والدینی. هریک از عوامل به دست آمده مقوله های مختلفی را در برمی گیرد. درک و شناسایی عوامل مؤثر بر ازدواج های موفق در زوج های موفق، می تواند به عنوان الگو و مسیری برای زوج ها قلمداد شده و برای روانشناسان و مشاوران ازدواج مثمر ثمر واقع شود و سرانجام به سلامت جامعه کمک کند.

۱- دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۲- دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۳- مدرس مدعو، گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. / دانشیار گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، شهید چمران اهواز (نویسنده مسؤول) Email: kh.aslani@scu.ac.ir

۴- استادیار گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

واژه های کلیدی: ازدواج موفق، عوامل فردی، عوامل زوجی، عوامل خانواده اصلی، عوامل فرهنگی - اجتماعی، عوامل والدینی.

#### مقدمه

ازدواج<sup>۱</sup> یک نهاد اجتماعی است که در آن، یک مرد و زن از طریق تعهدی قانونی، مذهبی و اخلاقی تصمیم می گیرند به عنوان زن و شوهر باهم زندگی کنند. ازدواج نقش مهمی در عملکرد جامعه از طریق فراهم آوردن بستری برای ارضای نیازهای عاطفی، اقتصادی و روانی اعضای آن دارد (دیکسون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳: ۷۶).

مرحله تشکیل خانواده و ازدواج اولین و مهمترین مرحله در سیکل زندگی خانوادگی می باشد و در آن انتخاب همسر صورت می گیرد و موفقیت در دیگر مراحل زندگی به موفقیت در این مرحله بستگی دارد (کارو، فریدمن، کورتمن، اسکوارز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳: ۷۶).

ازدواج مهم ترین پیوندی است که بین دو فرد رخ می دهد. این پیوند، سرآغاز شکل گیری یک کانون حمایتی و عاطفی در زندگی انسان ها بوده که با تربیت نسل های بعدی و بقای زندگی بشر در ارتباط است (مایرز و تینگل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵: ۱۸۳). ازدواج، یک نهاد چالش بر انگیز است. علیرغم اینکه اکثر ازدواج ها شروع خوبی دارند اما، در نهایت زوج ها از رابطه ی خود راضی نیستند. به نظر می رسد که شادی، ثبات و رضایت از ازدواج بستگی به خود زوجین دارد (ماناپ، چی کاسیم، هسنی، ایدریس و غزالی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳: ۱۱۲).

در کشور ما ازدواج به عنوان بنیان خانواده، عبارت است از یک رابطه قانونی، عرفی و یا دینی که یک مرد را با یک زن به طور دائم یا موقت پیوند می دهد. این پیوند هرچقدر استحکام بیشتری داشته باشد سلامت جامعه را بیشتر تامین می کند. (ساروخانی، ۱۳۸۶). هیچ فردی در این دنیا وجود ندارد مگر اینکه او را متعلق به یک خانواده بدانیم. از آنجا که ازدواج را مبنای تشکیل خانواده می دانیم پس هر فردی نتیجه یک ازدواج است که می توان آنرا موفق یا ناموفق نامید. (سگرین و فلوریا<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵: ۱۲۳). کیفیت رابطه ی زوج ها، ها، زیر بنایی راشکل می دهد که کارکرد آتی کل خانواده و سلامت جسمانی و روانی اعضای روی آن بنا می شود بنابراین مهمترین ملاک تعیین کننده خانواده سالم رضایت زوج از ازدواج است (گریف و ملهرب<sup>۷</sup>، ۲۰۰۱: ۲۴۸). روابط زن و شوهری پایدار و رضایتبخش، ویژگی های مثبت بسیاری نظیر سلامت روانی، سلامت جسمانی و رشد را برای اعضای خانواده فراهم می آورد. این روابط زن و شوهری محیطی مساعد را

<sup>۱</sup> -marrige

<sup>۲</sup> - Dixon

<sup>۳</sup> - carr, Freedman, Cortman& Schwarz

<sup>۴</sup> - Myers & Tingle

<sup>۵</sup> Manap, Che Kassim, Hoesni, Nen, Idris,& Ghazali

<sup>۶</sup> -Segrin,C. &Flora

<sup>۷</sup> -Greeff, & Malherbe

برای کودکان فراهم می آورد و همچنین رشد و سلامت اعضای خانواده را ارتقاء می بخشد. میخالیس سیانوف<sup>۱</sup> (۲۰۱۴، به نقل از حاتمی و رزنه و همکاران، ۱۳۹۵).

مفهوم ازدواج موفق<sup>۲</sup>، معمولاً با سازگاری و رضایت زناشویی باهم به کار می روند. ازدواجی را می توان موفق نامید که در آن رضایت زناشویی زوجین بالا بوده و از سازگاری و تفاهم برخوردار باشند (برادباری و ات ال<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰). رضایتمندی زن و شوهری، مفهومی است که اغلب برای اشاره به به کیفیت، شادکامی و یا این واقعیت به کار می رود که نیازهای اساسی بین زوجین در ازدواجشان برآورده می شود. اگرچه مطالعات بسیاری در ارتباط با ازدواج انجام شده، کمتر پژوهشی درباره ازدواجهای موفق و پایدار تمرکز کرده است و بیشتر پژوهشگران بر عوامل ازهم پاشیدن ازدواجها متمرکز شده اند (نیمتز، ۲۰۱۱). نتایج پژوهشها و مطالعات نشان می دهد که افراد با رضایتمندی زناشویی بالا و روابط صمیمانه در سنجش با کسانی که زندگی زناشویی ناسازگارانه ای دارند، بیشتر عمر می کنند (کپلر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵، به نقل از کرای، ۱۳۹۵: ۱۳۰). از سلامت بدنی بالاتری برخوردارند (اسلاچر و شوبی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۷، به نقل از کرای، ۱۳۹۵: ۱۳۰) و برای فرزندانشان پدر و مادر بهتری هستند (گریچ و فینچام<sup>۶</sup>، ۱۹۹۰، به نقل از کرای، ۱۳۹۵: ۱۳۱). گاتمن و لونسون<sup>۷</sup> (۲۰۰۲) که ۲۰ سال زندگی زوجها را مورد بررسی قرار داده بودند، عامل اصلی موفقیت یا شکست ازدواج را توانایی، یا عدم توانایی حل تعارضات می دانند. مطالعات متعدد ویژگی های متفاوتی را به عنوان مولفه های مرتبط با رضایتمندی زناشویی مطرح کرده اند. مطالعه کیفی اینگرام<sup>۸</sup> (۲۰۱۰) روی زوجهای موفق آمریکایی که حداقل ۱۵ سال از ازدواج آنها می گذشت، نشان داد این زوجها در فرایند زندگی انعطاف پذیرند، به هویت فردی و زوجی خود اهمیت می دهند، به تفاوت و شباهتهای یکدیگر توجه دارند، روابط جنسی رضایت بخشی دارند، به مدیریت مسائل مالی و حل تعارض اهمیت می دهند و ارزشهای همخوانی دارند. همچنین لهرر<sup>۹</sup> (۲۰۰۶) معتقد است، پابندی به ارزش های مذهبی، رعایت اصول اخلاقی و کسب فضیلت های انسانی می تواند رضایت زناشویی را افزایش داده و احتمال طلاق را به طور چشم گیر، کاهش دهد.

در پژوهش باچاند و کارون<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۱: ۲۳) در مورد ۱۵ زوج با ازدواج پایدار، عوامل زیر شناسایی شده است که به نظر زوجین، عوامل کمک کننده به دیرپایی و رضایتمندی در ازدواج بود: دوستی و عشق، احترام و احساس قدردانی، اعتماد و وفاداری، ارتباط خوب، ارتباط جنسی خوب، ارزشهای مشترک،

<sup>۱</sup> -Michalitsianos

<sup>۲</sup> - successful Marriage

<sup>۳</sup> - Bradbary & et al

<sup>۴</sup> - Kepler

<sup>۵</sup> - Slatcher & Shoebi

<sup>۶</sup> - Grych & Fincham

<sup>۷</sup> - Gottman & Levenson

<sup>۸</sup> - Ingram

<sup>۹</sup> - Lehrer

<sup>۱۰</sup> - Bachand & Caron

همکاری و حمایت متقابل، لذت بردن از زمان مشترک، توانایی انعطاف پذیری هنگام رویارویی با تغییر و حسی از معنویت، باور به نهاد ازدواج و فرض بقا ازدواجهای پایدار را توصیف می کند. بروکز<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) در پژوهش خود به بررسی عوامل کمک کننده به رضایت و تاب آوری در ازدواج های پایدار آفریقایی آمریکایی پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که عوامل زیر در ازدواج های موفق نقش داشتند: تعهد، اعتماد، تشابه مذهب، ارتباطات، گذراندن زمان بایکدیگر، عشق و تعلق خاطر، درک همدیگر، لذت جنسی. فنل<sup>۲</sup> (۱۹۹۳:۴۴۶) نیز نشان داد ده مؤلفه تأثیرگذار بر پایداری ازدواجهای موفق عبارت اند از: تعهد به روابط زناشویی در طول زندگی، وفادار ماندن به همسر، ارزشهای اخلاقی محکم، احترام به همسر، وفاداری و تعهد جنسی، والد خوب بودن، داشتن ارزشهای مذهبی، حمایت و لذت دوطرفه، هماهنگی و همدمی با همسر، توانایی عفو و گذشت و مورد گذشت واقع شدن. کرایبی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی کمی عواملی نظیر شیوه ارتباط، حل تعارض مناسب، حمایت، توجه، احترام، قدردانی از یکدیگر، ویژگیهای شخصیتی، مسئولیت پذیری، صمیمیت و کیفیت رابطه جنسی، کیفیت زندگی مشترک، گذراندن وقت و تفریحات، همخوانی زوجین، انعطاف پذیر بودن، تعهد و وفاداری، داشتن ارزشها، فرهنگ و تجارب معنوی مشترک و مسائل مالی و شغلی را در ازدواجهای پایدار رضایتمند مؤثر دانسته اند.

با توجه به اهمیت روزافزون پدیده ازدواج و نقش آن در سلامت و پویایی نسل آینده و همچنین گستردگی و تنوع در معیارهای انتخاب همسر، به نظر می رسد، در این حوزه کمبودهای پژوهشی زیادی وجود داشته و انجام تحقیقات نظام دار و قابل اطمینان، بیش از پیش لازم است. بیشتر پژوهش های انجام شده در حوزه خانواده و ازدواج، به بررسی دلایل شکست، ناکامی و زمینه های شکل گیری نارضایتی و طلاق محدود شده اند (محسن زاده، ۲۰۱۰:۲۰۴۲). در حالی که، تعیین معیارها و شاخصه های موفقیت در ازدواج کمتر مورد توجه بوده است. از طرفی، پژوهش های صورت گرفته در حوزه ازدواج سالم، اغلب در ساختار فرهنگی و اجتماعی متفاوت از فرهنگ ایران صورت گرفته است (اولسون، ۲۰۰۰ به نقل از صاحب‌دل، ۱۳۹۴:۳۴). پژوهش های داخل نیز اغلب، به بررسی مسائلی از قبیل، سازگاری زناشویی و رضایت زناشویی پرداخته اند، درحالیکه ازدواج موفق، مفهومی فراتر از سازگاری و رضایت زناشویی است، همچنین، این پژوهش ها، از نظر روش شناسی، به بررسی های تک متغیره، کاربرد روش های کمی، محدود شده اند (عبداله زاده، ۲۰۰۲). پژوهش های صورت گرفته با روش های کیفی نیز، بیشتر به بررسی شرایط پیش بینی کننده ازدواج موفق پرداخته (کریمی ثانی، ۲۰۱۰:۱۲۴) و یا از توان تبیین کنندگی و تعمیم ضعیف برخوردارند (آسوده و همکاران، ۲۰۱۰:۲۰۴۲).

از آنجا که تعمیم نتایج یک پژوهش از یک بافت فرهنگی به بافت فرهنگی دیگر مشکل است و عوامل ازدواج موفق و خوشبخت نیز در فرهنگهای مختلف متفاوت است (فاطمیما واجمل، ۲۰۱۲:۳۷)؛ همچنین با

<sup>۱</sup> -Brooks  
<sup>۲</sup> -Fenell

توجه به بافت نگری تحقیقات کیفی (کرسول<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳، به نقل از خجسته مهر و محمدی، ۱۳۹۵) توجه پژوهشگران به ملاحظات فرهنگی در ساختار ازدواج ضرورت دارد. لذا آنچه در پژوهش حاضر اهمیت دارد پاسخ دادن به این سوال می باشد که عوامل موثر در ازدواج های موفق کدامند؟

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و به منظور جمع آوری داده ها از نظریه داده بنیاد استفاده شده است. در این پژوهش محقق علاقه مند به تولید نظریه، مدل و یا چارچوب مفهومی است، به خصوص زمانی که در زمینه پدیده مورد مطالعه اطلاع کافی وجود ندارد (استراس و کوربین، ۱۹۹۰). علت انتخاب این روش این است که در رابطه با هدف پژوهش حاضر، داده های اندکی در دسترس است و با توجه به نبود ابزار در این زمینه، پژوهشگر به یک رویکرد جامع جهت جمع آوری اطلاعاتی که شناخته شده نیست نیازمند است. روش داده بنیاد روشی ایده آل برای پژوهش در حوزه هایی است که دانش اندکی درباره آنها در دسترس است (محسن زاده، ۲۰۱۰).

به طور کلی مراحل انجام نظریه داده بنیاد عبارتند از: تدوین پرسشنامه های پژوهش، گرد آوری داده ها، کد گذاری داده ها در سه مرحله شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی. جامعه آماری پژوهش عبارت بود از کلیه زوج های شهر یاسوج که رضایت بالایی از ازدواج خود داشتند و معیارهای ورود به پژوهش را دارا بودند. این معیارها در پژوهش حاضر عبارت بودند از حداقل ۵ سال و حداکثر بیست سال از مدت زمان ازدواج شان سپری شده باشد. و رضایت بالایی از زندگی شان داشته باشند و داوطلب شرکت در تحقیق بودند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شد. ابزار جمع آوری داده ها در این پژوهش استفاده از مصاحبه نیمه ساختار یافته بود. به منظور رعایت اصول اخلاقی، از زوج ها برای شرکت در مطالعه و ضبط صدا رضایت گرفته شد و راجع به اهداف پژوهش حاضر، علت ضبط جلسه مصاحبه، محرمانه ماندن اطلاعات مطرح شده در جلسات و هویت آنها توضیحات لازم ارائه شد. بدین ترتیب مصاحبه شونده از آزادی نسبی برای آنچه در زندگی او و همسرش وجود داشت برخوردار بود. پژوهشگر سعی می کرد موارد مهم را با دقت بیشتری دنبال نماید. پس از انجام هر مصاحبه فایل ضبط شده آن مصاحبه روی کاغذ پیاده می شد و با استفاده از فنون ذکر شده توسط استراس و کوربین، تحلیل سطر به سطر انجام شده و کدهای به دست آمده ثبت می شد. پس از تحلیل مجدد و دسته بندی کدهای بدست آمده مقوله های کلی در ذهن پژوهشگر شکل گرفته و در ادامه مصاحبه ها، هدف پژوهشگر کامل کردن و اشباع آن مقوله ها بود. در واقع تحلیل مصاحبه اول تمام شده، پژوهشگر با سوالات تازه ای که در ذهن داشت به سراغ زوج های بعدی رفته و مصاحبه را با آن سوالات شروع می کرد، سپس به زوج اجازه داده

<sup>۱</sup> - Creswell

می شد تا عمیقاً در مورد سؤالات فکر کرده و پاسخ های مناسبی ارائه دهند. همچنین مصاحبه شونده علاوه بر پاسخ گویی به سؤالات اطلاعات جدیدی نیز ارائه داده و بدین ترتیب پژوهشگر را وادار به واری بیشتر می کردند. مصاحبه ها تا جایی که در جریان مصاحبه هیچ اطلاعات جدیدی به دست نیامد ادامه پیدا کرد که در نهایت ۲۶ نفر (۳زوج) که دارای ازدواج موفق بودند مورد بررسی قرار گرفتند. جهت تعیین قابلیت اطمینان و کفایت داده ها از سه روش استفاده شد.

۱- کنترل و اعتبار یابی توسط گروه نمونه: در این روش مصاحبه های ضبط و ثبت شده برای اطمینان بیشتر به مصاحبه شونده ها بازگشت داده می شد تا از صحت اطلاعات ارائه شده، پژوهشگر را مطلع سازند.

۲- استفاده از نظارت همکاران متخصص: در این روش، دو نفر از متخصصان به عنوان داور، بخشی از مصاحبه ها را مورد تحلیل قرار داده و تحلیل های آنها با تحلیل های پژوهشگر، مقایسه شده و در نهایت توافق کلی حاصل گردید.

۳- مقایسه های تحلیلی: در این روش به داده های خام رجوع شد تا ساخت بندی نظریه با داده های خام مقایسه و ارزیابی شود.

### یافته ها

مجموعاً ۲۶ نفر، ۱۳زوج مورد مصاحبه اکتشافی نیمه ساختارمند قرار گرفتند که ویژگی فردی مصاحبه شوندگان در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱- اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان در تحقیق

نام مستعار	سن	مدت ازدواج	تعداد فرزند	تحصیلات	شغل
آقای شماره ۱	۴۲	۲۰	۴	زیر دیپلم	کارمند
خانم شماره ۱	۴۰			زیر دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۲	۴۲	۱۲	۳	فوق لیسانس	کارمند
خانم شماره ۲	۳۸			فوق لیسانس	کارمند
آقای شماره ۳	۴۲	۱۷	۳	دیپلم	کارمند
خانم شماره ۳	۴۰			دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۴	۴۱	۱۷	۲	دکتری	مدرس دانشگاه

خانم شماره ۴	۳۹			دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۵	۴۱	۱۷	۳	لیسانس	پاسدار
خانم شماره ۵	۳۸			دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۶	۳۱	۸	۱	دیپلم	راننده
خانم شماره ۶	۲۶			لیسانس	خانه دار
آقای شماره ۷	۴۰	۷	۱	لیسانس	کارمند
خانم شماره ۷	۲۷			زیر دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۸	۴۰	۱۵	۲	لیسانس	کارمند
خانم شماره ۸	۳۸			زیر دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۹	۳۶	۱۳	۲	لیسانس	کارمند
خانم شماره ۹	۳۵			زیر دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۱۰	۳۴	۵	۱	لیسانس	کارمند
خانم شماره ۱۰	۳۳			لیسانس	خانه دار
آقای شماره ۱۱	۴۴	۱۸	۴	لیسانس	کارمند
خانم شماره ۱۱	۳۸			زیر دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۱۲	۳۲	۶	۲	لیسانس	کارمند
خانم شماره ۱۲	۲۸			لیسانس	خانه دار
آقای شماره ۱۳	۴۱	۱۷	۲	دکتری	کارمند
خانم شماره ۱۳	۴۰			فوق لیسانس	کارمند

همانطور که در جدول ۱- مشاهده می شود، از میان ۱۳ زوج شرکت کننده، ۵ نفر دارای تحصیلات در مقطع زیر دیپلم، ۶ نفر دارای تحصیلات دیپلم، ۱۰ نفر دارای تحصیلات لیسانس، ۳ نفر دارای تحصیلات فوق لیسانس، ۲ نفر دارای تحصیلات در مقطع دکتری بودند. در زمینه شغل ۱۱ نفر از خانمها خانه دار بودند ۲ نفر کارمند و شغل مردان ۱۰ نفر دارای شغل کارمندی، ۱ نفر راننده، ۲ نفر مدرس دانشگاه بودند. و دو زوج دارای ۴ فرزند، سه زوج دارای یک فرزند، پنج زوج دارای دو فرزند، سه زوج دارای سه فرزند، بودند. همان

طور که جدول نشان می دهد طول مدت ازدواج زوجین از ۵سال تا ۲۰سال در نوسان بود. که میانگین مدت ازدواج زوجین ۱۳سال می باشد. میانگین سنی افراد شرکت کننده در مصاحبه ۳۶سال می باشد. انتخاب نمونه، جمع آوری اطلاعات و تحلیل اطلاعات تا زمان اشباع نظری یعنی تا جایی که اطلاعات جدیدی به دست نیامد، ادامه پیدا کرد. که در نهایت ۲۶ نفر (۱۳زوج) مورد مصاحبه قرار گرفتند.

همان گونه که در روش شناسی تحقیق بیان شد در رویکر نظریه داده بنیاد استراوس و کوربین به منظورتبیین بهتر یافته های پژوهش، به ارائه شرایط میانجی، راهبردهای حل تعارض میان زوجین و پیامد تحقیق می پردازیم.

### شرایط میانجی تاثیر گذار در ازدواج موفق

شرایط میانجی در این تحقیق در ۵سطح (ویژگی های شخصی زوجین، عوامل تعاملی زوجین، عوامل مربوط به خانواده اصلی، عوامل فرهنگی - اجتماعی و عوامل والدینی) طبقه بندی شده اند.

**۱- ویژگی های شخصی زوجین:** زوجین شرکت کننده در این تحقیق برخی ویژگی های شخصی خود را که در نگهداری و حفظ رابطه شان مؤثر می دانستند بیان نمودند که عبارتند از خودآگاهی (آگاهی از نیازهای شخصی، آگاهی از اهداف زندگی، آگاهی از توانمندیها و محدودیت های خود)، دلسوز بودن و مهربانی (مهربان بودن با همدیگر، چشم پوشی از خطاهای همدیگر، از خود گذشتگی) مسئولیت پذیری (انجام درست وظایف خود و خانواده، احساس مسئولیت در برابر همسر، احساس مسئولیت در برابر خانواده، به وظایف خود عمل کردن، آگاهی داشتن از وظایف و مسئولیتهای خود در زندگی) انعطاف پذیری (ایجاد تغییرات رفتاری در خود متناسب با مراحل زندگی، دوری از تعصبات بی مورد، تلاش برای رشد و تغییر، آمادگی برای تغییر در مواقع ضروری) صداقت (دروغ نگفتن به یکدیگر، روراست بودن در امور مختلف زندگی و مشکلات روزمره، صداقت در مسائل مالی) خوش بینی (داشتن نگرش مثبت نسبت به زندگی، داشتن انگیزه و امید نسبت به زندگی، امیدواری، اعتقاد به اینکه مشکلات حل می شوند) پختگی هیجانی (آگاهی از عواطف و توانایی کنترل احساسات، ثبات هیجانی، توانایی ابراز عواطف، تسلط کافی بر هیجانات).

در این زمینه، خانم شماره ۱۳ می گوید: "من آدم مسئولیت پذیری هستم. چون من شاغل هستم هم در قبال شغلم و هم در قبال همسرم و هم در قبال فرزندانم مسئولیت دارم. خدا را شکر الان که ۱۷سال از ازدواج مان می گذرد تونستم مسئولیت های خود را به نحو احسن ایفا کنم و شوهرم که استاد دانشگاه هم هست بیشتر مواقع بهم کمک می کنه. "آقای شماره ۱۳: "ما توی زندگی سختی های زیادی کشیدیم اما تحمل کردیم." خانم شماره ۲: "شوهرم بیشتر مواقع در کارهام بهم کمک می کنه. هم در زمینه شغلی ام و هم در امورات خانه داری، آخه ما سه تا دختر داریم که پشت سرهم هستند و رسیدن به اونها سخته. در



از دواج‌های موفق، زوجها مسئولیت رفتار خود را می‌پذیرند و انتظار ندارند که شریک زندگیشان مسئول شادی و خرسند نگه داشتن آن‌ها باشد.

## ۲- سیستم زوجی کارآمد

رابطه زوجی، قراردادی است که به موجب آن زن و مرد در زندگی با یکدیگر شریک و متحد شده و نهاد خانواده را پایه‌گذاری می‌کنند. آنچه که از خود این پایه‌گذاری مهمتر است، چگونه عمل کردن و شکل دهی یک ازدواج موفق است، وضعیتی که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس رضایت از باهم بودن دارند. در رابطه زوجی، هریک از دو عضو زوج می‌توانند عمیق‌ترین احساس صمیمیت را تجربه کنند. این رابطه در عین حال که می‌تواند صمیمانه‌ترین و راحت‌ترین رابطه ممکن باشد، می‌تواند شدیدترین صدمات ممکن را به اعضا وارد کند. در صورتی که ازدواج ناموفق باشد می‌تواند به توقف رشد شخصی و سرگردانی منجر گردد. در این تحقیق، سیستم زوجی کارآمد بوده است و در ازدواج موفق تأثیر داشته است و شامل موارد زیر می‌باشد. ۱- عشق و تعلق خاطر (دوست داشتن همسر، ابراز عشق کلامی و غیرکلامی، علایق مشترک، گذراندن اوقات فراغت با یکدیگر، استفاده از جملات عاشقانه، اختصاص دادن زمان بیشتر برای باهم بودن، دوستی باهم، صمیمیت) ۲- اطمینان بخشی (وفادار بودن نسبت به همدیگر، اعتماد به یکدیگر، شک نداشتن به همدیگر، بی‌زاری و دوری از افکار خیانت‌آمیز، تعهد و احترام به رابطه زناشویی). آقای شماره ۶: "من شغلم رانندگی است ماشین سنگین دارم تا حالا نشده که به همسرم خیانت بکنم، حتی فکر داشتن چنین رابطه‌ای را هم نمی‌کنم." خانم شماره ۵: "تا حالا نشده که به همسرم شک داشته باشم که بهم خیانت کنه، شغلش پاسداراست، گاهی مواقع تا یک ماه هم میره ماموریت و خونه نیست، مطمئنم که بهم خیانت نمی‌کنه." ۳- درک متقابل (احساس درک شدن، تلاش برای درک همسر، تفاهم در تربیت فرزندان، گذراندن اوقات فراغت با مشورت یکدیگر، تفاهم در مورد محل زندگی، تصمیم‌گیری مشترک، اتفاق نظر در مورد مسائل مالی). اکثر زوج‌ها بیان کردند که در مقابل خوبی یکدیگر سعی بر خوبی و جبران محبت دارند. آقای شماره ۴: "همسرم به خانواده‌ام خیلی محبت کرده در بین خانواده من احترام خاصی دارد. من هم به خاطر محبت‌هایش سعی می‌کنم همیشه بهش احترام بگذارم و رضایت ایشان را جلب کنم به خانواده‌اش احترام می‌گذارم، معمولاً پایان هفته به پدر و مادرش سر می‌زنیم و الان هم مثل همان سال اول زندگیمان از هم راضی هستیم." اکثر مصاحبه‌شوندگان در مصاحبه‌شان بیان نمودند که همان طوری که انتخابشان انتخابی درست بوده و سالهای اول ازدواج‌شان از همدیگر راضی بودند، الان هم که مدت زیادی از ازدواج‌شان گذشته، رضایت زناشویی خوبی دارند. به عنوان مثال خانم شماره ۸: "خدایا شکر توی این ۱۵ سال زندگی مشترک، همیشه باهم خوب بودیم الان دوتا بچه داریم، از زندگی مون راضی هستیم." ۴- رضایت جنسی (روابط جنسی رضایت‌بخش، تلاش برای جلب رضایت جنسی همسر، احترام به خواسته‌های جنسی همدیگر، اهمیت دادن به مسائل جنسی، صحبت کردن در مورد این رابطه، اشتراک نظر

در زمینه روابط جنسی). رضایت داشتن طرفین از رابطه جنسی شاخصی مناسب برای ثبات ازدواج و خرسندی از آن محسوب می شود. رضایت جنسی، افزایش کیفیت زندگی و در نتیجه آن افزایش ثبات زندگی را به دنبال دارد. ۵ - مشارکت و همکاری (کمک کردن به همدیگر در کارهای منزل، کمک به همسر در زمینه شغلی، کمک به همسر در انجام وظایف زندگی، کمک به همسر در مسائل اقتصادی) ۶- ارتباط مؤثر (گفتگوی لذت بخش، همدلی، توجه به حرف های طرف مقابل، پرهیز از کنترل کردن همدیگر، تحقیر و سرزنش نکردن همدیگر، توی حرف همدیگر نپريدن، گفتگوی منطقی، گفتگوی باز، توان ابراز عواطف و خواسته ها، رک بودن در ابراز خواسته ها، مقایسه نکردن، احترام در حضور جمع).

خانم شماره ۱۱: "به حرف های هم دیگر گوش می دهیم، می توانم بگویم گفت و گو هایمان خیلی لذت بخش است، موقع صحبت کردن با هم دیگر کاملاً حواسمان به همدیگر است، تماس چشمی برقرار می کنیم. خلاصه راحت می توانیم با هم حرف بزنیم." ۷- تصمیم گیری درست (مشورت گرفتن از هم دیگر، توجه به توصیه های یکدیگر) خانم شماره ۶: "شوهرم بدون اجازه من و مشورت من کاری را انجام نمی دهد. من هم همیشه قبل از اینکه کاری انجام دهم نظر شوهرم را می پرسم. اگر ایشان موافق بود آن کار را انجام می دهم." ۸- ایفای نقش کارآمد (انعطاف پذیری در انجام کارها، مشارکت در نقش، وظیفه محور نبودن نقشها). خانم شماره ۵: "کارها را با هم انجام می دهیم، هرکس هر کاری که از دستش بر بیاید انجام می دهد مثلاً من رانندگی بلد هستم و بچه ها را خودم می برم مدرسه، سرویس آنها می باشم، کارهای خانه را انجام می دهم. چون همسرم اکثر اوقات سر کار هست و مشغله کاری زیادی دارد کارهای ایشان را من انجام می دهم. قسط وام را خودم پرداخت می کنم خرید خانه و وسایل مورد نیاز بچه ها را خودم انجام می دهم. وقتی ایشان خانه است در کارهای خانه هم به من کمک می کند."

۹- مدیریت مالی (خسب نبودن، توافق در مورد خرج کردن، توقعات مالی متناسب با توانایی همسر، قناعت مالی، وحدت مالی، داشتن برنامه مالی مناسب). آقای شماره ۳: "من راننده هستم، حقوق و مزایای من کم است اما خدا را شکر همسرم کم توقع است، نسبت به خواهرای دیگرش خیلی کم خرج است، با نداری من خوب ساخته و خوب برنامه ریزی کرده است." ۱۰- رشد خود و همسر (تشویق همسر به برنامه ریزی، تشویق همسر به رشد و پیشرفت، استقبال از رشد و موفقیت همسر، تلاش برای موفقیت و رشد خود در زمینه تحصیلات و شغل، تقویت نقاط قوت همدیگر، قدردانی و سپاس گزاری). آقای شماره ۲: "اون موقع که ما ازدواج کردیم من فوق دیپلم بودم و همسرم دیپلم داشت. دوست داشتم که خودم تحصیلاتم را ادامه دهم، الان فوق لیسانس دارم و خانمم هم در حال حاضر فوق لیسانس دارد. بهش کمک کردم؛ از بچه ها مراقبت کردم و سختی های زیادی کشیدم تا خانمم ادامه تحصیل بدهد."

۳- عوامل مربوط به خانواده اصلی: سیستم زوج مرزهای خودش را دارد: زوج هایی که حول رابطه خود مرز ایجاد نمی کنند، درون خانواده اصلی و یا روابط دوستی گیر می افتند. این مسئله گاهی در

رابطه آن‌ها با همسرشان مشکل ایجاد می‌کند. خانواده زمانی سالم تلقی می‌شود که همه اعضای آن فرصتی برای پرداختن به مسائل خاص خود در اختیار داشته باشند. گاهی اوقات خانواده‌ها این موضوع را نادیده می‌گیرند و فراموش می‌کنند که زوج‌ها نیاز دارند فرصتی داشته باشند تا مدیریت خود را بیابند به همین دلیل به میزان زیادی مرزهای آنان را نادیده می‌گیرند. نادیده گرفتن مرزها اینگونه اتفاق می‌افتد که خانواده تلاش می‌کند به گونه‌ای در فرزند خود نفوذ کند تا به جای عمل کردن طبق خواسته‌های همسر، طبق خواسته‌های خانواده عمل کند. در این تحقیق زوجین موفق با اجازه ندادن به دیگران در دخالت کردن در زندگی آن‌ها و عدم انتقال مسائل و مشکلات درون خانواده خود به خانواده‌های اصلی و عدم انتقال مسائل به فرزندان و حساب ویژه‌ای از قدرت مرد در تصمیم‌گیری‌های درون خانواده، خود را در این زمینه موفق می‌دانستند. ۱- حریم سازی و مرز سازی زوجی: خانم شماره ۳: "ما اصلاً مسائل شخصی و خانوادگی خود را با پدر و مادرمان در میان نمی‌گذاریم چون ما می‌توانیم آن‌ها را حل کنیم ولی اگر این مسائل را با پدر و مادرمان در میان بگذاریم روی آن‌ها تاثیر منفی می‌گذارد". ۲- حمایت خانواده‌ها از زوجین: خانم شماره ۶: "خانواده شوهرم و همچنین خواهر شوهرم در نگهداری و مراقبت از پسر من خیلی به من کمک می‌کنند. سال‌های اول ازدواج مان از لحاظ مالی در مظنقه بودیم اما خانواده هامون ما را حمایت می‌کردند. مجبور شدم به کار نیمه وقت داشته باشم. وقتی سرکار می‌رفتم پسر من پیش خانواده شوهرم بود. پدرم هم مقداری از حقوق خود را ماهانه به ما کمک می‌کرد. استفاده از حمایت خانواده‌ها زوجین را در ارتباط با فشارهای مالی، عاطفی و امور مربوط به فرزند کمک می‌کند". ۳- حمایت زوجین از خانواده‌ها: خانم شماره ۵: "پدرم بازنشسته است. توانایی تأمین امرار معاش خود و خانواده‌اش را ندارد. من و همسر من ماهانه در حد توانمان مقداری حمایت مالی به آن‌ها می‌کنیم. البته همسر من خودش خواهان این است که ما به آن‌ها کمک نکنیم و این در رضایت مندی از زندگی ما مؤثر می‌باشد".

#### ۴- عوامل اجتماعی و فرهنگی

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در ازدواج موفق که از مصاحبه با زوجین موفق در این پژوهش به دست آمد نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی بود. ارزشها، باورها، رسوم و هنجارهای حاکم بر یک بافت علاوه بر دیدگاههای فردی بر سبک روابط زوجی نیز اثرگذار است. در این مطالعه، فضائل اخلاقی و معنوی شامل، همسانی باورهای دینی، پایبندی به اخلاقیات، پرهیز از حسادت به دیگران، پرهیز از کینه و انتقام جویی، توکل به خدا، نوع دوستی، عدم مدگرایی، همسانی فرهنگی، کمک به دیگران، نقش مثبت خدا در زندگی، رعایت فرهنگ عفاف و حجاب، مقدس دانستن ازدواج، پیروی از احکام دینی دلایل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر ازدواج موفق است. خانم شماره ۸: "احترام خاصی برای بزرگترها قایل هستم، پدر و مادر شوهرم را خیلی احترام می‌کنم، لباس آنان را می‌شویم، روی حرف آنان حرف نمی‌زنم، و شوهرم نیز برای

پدر و مادر من خیلی ارزش قایل است انگار که پدر و مادر خودش است. در ایام عید ما به بزرگان و اقوام خود سر می‌زنیم و برای نزدیکان خود و همسر معمولاً کادو می‌بریم."

آقای شماره ۱۳: "ما هر سال روز ازدواج خود را جشن می‌گیریم و ازدواج خود را محترم می‌شماریم و به بچه‌هایمان سفارش می‌کنیم که به محض اینکه شرایط ازدواج رو پیدا کردند، ازدواج بکنند."

**۵- عوامل والدینی:** پنجمین عامل زمینه‌ای در این تحقیق شاخصهای مربوط به عوامل والدینی بوده است که در ازدواج موفق تأثیر داشته است. زمانی که زوج‌ها تصمیم می‌گیرند که بچه دار شوند، باید فضای روانشناختی رابطه را برای پرورش فرزند آماده کنند. این فضا باید به گونه‌ای در زوج‌آبادگی ایجاد کند که بتواند ضمن پرورش فرزند از ایجاد لطمه به رابطه خود جلوگیری کنند. در این شرایط انعطاف‌پذیری نقش زوج‌ها ضروری است زیرا رابطه زوج با به دنیا آمدن فرزند تغییر کرده و شکل جدیدی به خود می‌گیرد. در این سیستم فرزند عامل مثبتی در بهبود رابطه است که منجر به افزایش مسئولیت، شیرینی زندگی، بهبود رابطه با خانواده همسر، کاهش وابستگی زوجین به خانواده‌ها، کاهش دعوا و هدف مند شدن زندگی می‌شود. از طرفی والدین هم در مقابل تربیت فرزندان احساس مسئولیت می‌کنند.

خانم شماره ۱۲: "با تولد دخترم زندگی ما بهتر شد. وقت زیادی را من و همسر با بازی کردن و لذت بردن از زندگی با ایشان سپری می‌کنیم. رابطه خانواده همسر هم با ما بهتر شده است. روزهای جمعه و تعطیلات مادرشوهرم زنگ می‌زنند که بچه‌ها را بردارید بیاید خانه ما. دلم براشون تنگ شده است."

خانم شماره ۱۱ می‌گوید: "داشتن بچه، زندگی ما را هدفمند کرده است. من و شوهرم با تولد فرزندانمان تلاش کردیم تا آنها را به خوبی تربیت کنیم تا آنها نیز متمرکز باشند، آنها ثمره زندگی ما هستند."

**راهبردهای مؤثر حل تعارض میان زوجین:** زوجین موفق بیان داشتند در مواقعی که دچار تعارض می‌شدند از روشهایی مانند گفتگوی باز، مدیریت خشم، حل مساله، استفاده از منابع حمایتی از قبیل (کمک اطرافیان، مطالعه کتب روانشناسی، کمک خواستن از خدا و ائمه)، کاهش حساسیتها، عذرخواهی، چشم‌پوشی از خطاهای همدیگر، شوخ طبعی و خنده، آسان‌گیری و کوتاه آمدن، کم کردن توقعات، سعی در اصلاح و تغییر خود، تحمل سختی‌ها، پاسداری از حریم زوجی، عدم انتقال مسائل به خانواده مبداء و فامیل استفاده کرده‌اند. به عنوان نمونه به چند مورد از تعارضات زوجین و راهکارهای مواجهه با آنها اشاره می‌شود:

۱- بی‌اعتنایی نکردن، قهر نکردن: آقای شماره ۱۰: "وقتی در رابطه زن و شوهری ما مشکل ایجاد می‌شود ما با همدیگر قهر نمی‌کنیم، منتظر نمی‌مانم تا او با من صحبت کند من پیش قدم می‌شوم و با

ایشان صحبت می‌کنم. در این مواقع همسر احساس می‌کند که کمتر مورد بی‌اعتنایی واقع می‌شود. قهر در زندگی ما مفهومی ندارد یعنی در واقع نمی‌توانیم با همدیگر قهر داشته باشیم".

۲- برنامه ریزی برای مبارزه با مشکلات احتمالی: خانم شماره ۲: "یکبار ماشین مان دست برادرشوهرم بود ایشان در حین آمدن به خانه تصادف کرد و خودش هم مقصر بود، شوهرم خیلی ناراحت شد و خواست با ایشان دعوا کند، حتی بر سر من دادکشید که تقصیر شما بود که گفتم ماشین را به محمد بدهم، اما من با شوهرم صحبت کردم که اتفاق پیش می‌آید، خدا رو شکر که خودش آسیب ندید، اگر نگران خسارت ماشین هستی مقداری از طلاهام می‌فروشم درستش کنید."

۳- بی‌اعتنایی به اختلافات جزئی: خانم شماره ۱۰: "من و همسر به کسی اجازه دخالت در مسایل خصوصی زندگی مان را نمی‌دهیم، وقتی بر سر موضوعاتی باهم بحث می‌کنیم خودمان باهم کنار می‌آییم."

خانم شماره ۱۰: "ایشان خیلی سر به هوا بود. انگار اصلاً ازدواج نکرده بود. بیشتر وقتش را با رفیقاش بیرون بود. من رفتار غیرعقلانی انجام ندادم، صبر کردم، با ایشان ساختم و حمایتش کردم، خوب شد و الان رابطه خوبی داریم و قید رفیقانش را زده است." خانم شماره ۳: "با شوهرم بعضی اوقات روی برخی از مسائل اختلاف داشتیم، ولی آن را بزرگ نمی‌کردیم که روی رابطه مون تاثیر منفی بگذارد و رابطه مون بد بشه." آقای شماره ۷: "وقتی بحثی پیش بیاد بیشتر مواقع من کوتاه میام و اصلاً برایم سخت نیست."

۴- حفظ تعادل عاطفی در مواقع بروز مشکلات: خانم شماره ۳: "در اوایل ازدواج مان وقتی که فرزند اولمان به دنیا آمد از لحاظ مالی وضع خوبی نداشتیم، وقتی که بیمار می‌شد من و همسرم خونسردی خود را حفظ می‌کردیم و برخدا توکل داشتیم و هیچ وقت بر سر همدیگر داد نمی‌کشیدیم."

۵- گفتن خواسته‌های خود به همسر به طور مستقیم: خانم شماره ۱۱: "من همیشه مسایل و اتفاقاتی که در زندگی روزمره مان می‌افتد با شوهرم در میان می‌گذاشتم، هیچ وقت نشد که من خواسته‌های خود را با واسطه شخص دیگری به شوهرم انتقال دهم و همسرم هم با من خیلی صادق است."

۶- کوچک شمردن مشکلات: زوجین موفق که در این تحقیق شرکت داشتند بیان می‌کردند که مشکلات هیچگاه در رابطه زوجی ما خللی ایجاد نکرد و اعتقاد داریم که مشکلات حل می‌شوند. آقای شماره ۱۰: "اکثر خانواده‌ها مشکلات زیادی دارند، مهم این است که چطور با مشکلات مقابله کنیم."

۷- کنار آمدن و سازگار شدن (پذیرفتن کاستی‌ها و تفاوت‌ها، مسائل را بیش از حد بزرگ نکردن، کوتاه آمدن از برخی خواسته‌ها): بعضی از زن و شوهرها وقتی با هم قهر هستند حالت دفاعی

می گیرند. در این مواقع هر دو نفر مسئولیت خود را نادیده گرفته و خود را تبرئه می کنند و همچنین ممکن است از روش هایی مثل شکایت دو طرفه استفاده کنند. در این حالت زوج روزگار سختی را می گذرانند.

خانم شماره ۱۲: "خیلی از خانم ها حساس هستند که اول باید بریم خانه پدر من بعد بریم خانه پدر شما من اصلاً اینطور نیستم، روی چنین مسائلی اصلاً حساس نیستم و رعایت کردن چنین مواردی هم به رابطه زوجی ما خیلی کمک کرده است."

۸- اطمینان دادن (اعتقاد به این که قصد و نیت همسر خوب است، شوخی کردن، نادیده گرفتن اشتباهات همسر): خانم شماره ۷: "گاهی وقتا رفتارهای مخالف خواست یکدیگر داشتیم، به ایشان احترام می گذاشتم و هرگز حس نمی کردم که همسرم دشمن من و خانواده ام است و اطمینان داشتم که ایشان قصد آزار دادن من را ندارد." زوجین اگر به نیت انجام عمل از طرف همسر توجه داشته باشند، رفتارهای او آزار دهنده نخواهد بود.

۹- حمایت های اجتماعی: خانم شماره ۸: "اوایل که فرزند بزرگترم به دنیا آمد دچار استرس بچه داری شده بودم از مادرم کمک می گرفتم و کتاب های فرزند پروری مطالعه می کردم. خدا را شکر توانستم بر این مشکل غلبه پیدا کنم. الان هم با همسرم در تربیت فرزند دوم مشکلی نداریم."

#### راهبردهای کارآمد حل تعارض میان زوجین و خانواده های اصلی:

زوجین موفق بیان داشتند در مواقعی که با خانواده خود دچار تعارض می شدند از برخی راهبردها برای حل تعارض میان خود و خانواده ها استفاده می نمودند که عبارتند از: پذیرش نواقص خانواده همسر، قهر نکردن با خانواده های خود، حمایت از همسر در مقابل خانواده خود، چشم پوشی از خطاها و اشتباهات خانواده همسر.

#### ۱- حمایت از همسر در مقابل خانواده:

زوجین حاضر در تحقیق بیان داشتند که زمانی که خانواده ها با یکی از آنها رفتار بدی داشته اند از همدیگر حمایت می کردند. خانم شماره ۱: "اوایل ازدواجمان مادر شوهرم خیلی بامن دعوی می کرد به خاطر مشکلات مالی که داشتیم کلاس خیاطی می رفتم. مادر شوهرم می گفت خونه خودتون خیاط نشد، اینجا می خواد خیاط بشه اما شوهرم از من حمایت می کرد و می گفت من دوست دارم که همسرم خیاطی را یاد بگیرد و تازه باید یک مغازه برایش اجاره کنم." آقای شماره ۷: "ما همیشه اعتقاد داریم که مشکلات قابل حل هستند، و برای حل کردن آنها تلاش می کنیم. هنگامی که حالت های مانند خشم و عدم توافق در رابطه ما ایجاد می شود انتظار نداریم که رابطه خوب که با همسرمان داریم مشکلات را حل خواهد کرد بلکه برای حفظ این رابطه و حل مشکلات تلاش می کنیم."

۲- رعایت کردن حریم و مرزها: زوجین شرکت کننده در تحقیق بیان نمودند که گاهی وقت‌ها فضای بین خود و خانواده‌ها را تنظیم می‌کردند تا منظومه زوجی آسیب نبیند. آقای شماره ۵: "خانواده همسر رابطه خیلی خوبی با ما دارند اصلاً با ما مشکلی ندارند، حتی هفته‌ای یکبار به خانه ما می‌آیند و ما نیز به خانه آنها می‌رویم، اما چون ما در یک جامعه سنتی زندگی می‌کنیم و بعضی از خانواده‌ها اعتقاد دارند که کمک کردن به خانم و انجام کارهای زنانه مثل ظرف شستن یا عوض کردن لباس بچه کار خانم‌ها است و مرد نباید به زن در انجام چنین کارهایی کمک کند سعی می‌کنم که خانم با آنها بحث نکند و خودم با خانواده ام صحبت می‌کنم و مشکل را حل می‌کنم."

۳- پذیرش نواقص خانواده همسر: شرکت کنندگان بیان داشتند که از زمان ازدواج شان تاکنون، نقائص و کمبودهایی از طرف خانواده‌های خود داشته‌اند که آنها را پذیرفته بودند و با آنها کنار آمده بودند. خانم شماره ۵: "خانواده همسر شیوه برخورد مناسبی با من نداشتند، از لحاظ سطح سواد و پایگاه اجتماعی پایین بودند. ولی خدا را شکر همسرم فهمیده و با شخصیت است و به من می‌گفت که چه برخوردی با آنها داشته باشم."

#### ۴- چشم پوشی از خطاها و اشتباهات خانواده همسر

خانم شماره ۶: "وقتی با خانواده همسرم به کم دلخوری پیش می‌آمد، همسرم به من می‌گفت که این بحث‌ها در همه خانواده‌ها پیش می‌آید. خودتو ناراحت نکن و من هم زیاد حساسیت نشان نمی‌دادم و مساله را بزرگ نمی‌کردم و خودم را درگیر چنین مسائلی نمی‌کردم." آقای شماره ۸: "گاهی مواقع با خانواده همسر، بیشتر پدر خانم، مسائل و مشکلاتی داشتم، خودم سعی می‌کردم که ادامه ندم و کوتاه می‌آمدم، آخه بعضی مواقع ادامه دادن چنین بحث‌هایی عاقبت خوبی نداره و به ضرر خانواده است."

۵- قهر نکردن با خانواده‌های خود: زوجین شرکت کننده در تحقیق بیان داشتند که مواردی که با خانواده همسر خود اختلافی پیش می‌آمد با آنها قهر نمی‌کردیم و ارتباط خود را قطع نمی‌کردیم.

خانم شماره ۳: "در اوایل ازدواج مان با خانواده همسر خود اختلافات زیادی داشتم، درروستا زندگی می‌کردیم، به بهانه‌های مختلف از من بهانه می‌گرفتند ولی من مثل آنها رفتار نمی‌کردم و با آنها قهر نمی‌کردم، اعتقاد داشتم اگر با آنها قهر کنم مشکلات جدی تر و وخیم تر می‌شود. همسرم در کنارم بود و بالاخره با رفتارهای خوبی که من با آنها داشتم، آنها هم بهتر شدند."

رضایتمندی و تداوم زندگی: این مولفه شامل احساس رضایت از خود، رضایت از همسر، رضایت از فرزند است. خانم شماره ۱: "خدارا شکر الان ۲۰ سال از ازدواج مان گذشته است از زندگی ام راضی هستم از همسرم و از فرزندم راضی هستم." آقای شماره ۱۲: "علاقه مون روز به روز داره بیشتر میشه و مطمئنم"

که مسیر خوبی را در پیش روداریم و تا الان از زندگی مون رضایت داریم." نتیجه نهایی انتخاب همسر متناسب و مبتنی برشناخت، و با کارکرد مناسب در سطح فردی، زوجی، خانوادگی، والدینی، و اجتماعی- فرهنگی و استفاده از راهبردهای مؤثر، پیامد رضایت از خود، همسر و فرزند را برای زوجین به ارمغان آورد. در ادامه یافته های پژوهش، براساس تحلیل های صورت گرفته، کدهای باز، محوری و انتخابی تعیین شدند که در جدول ۲ آمده است. همچنین حرکت در جهت نگهداری رابطه و تداوم زندگی به عنوان مقوله مرکزی انتخاب شد.

جدول ۲: کدهای حاصل از مصاحبه ها و مراحل تحلیل آن

کدمحوری	کدهای انتخابی	کدهای باز
حرکت در جهت نگهداری رابطه و تداوم زندگی	ویژگی های شخصی	خودآگاهی (آگاهی از نیازهای شخصی، آگاهی از توانمندیها و محدودیت های خود، آگاهی نسبت به اهداف و خواسته های خود) دلسوز بودن و مهربانی (مهربان بودن با همدیگر، چشم پوشی از خطا های همدیگر، از خود گذشتگی) مسئولیت پذیری (انجام درست وظایف خود و خانواده، احساس مسئولیت در برابر همسر، احساس مسئولیت در برابر خانواده، به وظایف خود عمل کردن، آگاهی داشتن از وظایف و مسئولیتهای خود در زندگی) انعطاف پذیری (ایجاد تغییر در خود متناسب با مراحل زندگی، آمادگی برای تغییر در مواقع ضروری، تغییر و تعدیل دیدگاههای شخصی به نفع زندگی زناشویی) صداقت (دروغ نگفتن به یکدیگر، روراست بودن در امور مختلف زندگی و مشکلات روزمره، صداقت در مسائل مالی، عدم تلاش برای فریب همسر) خوش بینی (داشتن نگرش مثبت نسبت به زندگی داشتن انگیزه و امید نسبت به زندگی، امیدواری، اعتقاد به اینکه مشکلات حل می شوند) پختگی هیجانی (آگاهی از عواطف و توانایی کنترل احساسات، ثبات هیجانی، توانایی ابراز عواطف، تسلط کافی بر هیجانات).
-	عوامل زوجی	۱- عشق و تعلق خاطر (دوست داشتن همسر، ابراز عشق کلامی و غیرکلامی، علائق مشترک، گذراندن اوقات فراغت با یکدیگر، اختصاص دادن زمان بیشتر برای باهم بودن، دوستی باهم، صمیمیت) ۲- اطمینان بخشی (وفادار بودن نسبت به همدیگر، شک نداشتن به همدیگر، بیزاری و دوری از افکار خیانت آمیز، تعهد و احترام به رابطه زناشویی) ۳- درک متقابل (تلاش برای درک همسر، تفاهم در تربیت فرزندان، تصمیم گیری مشترک، احترام به نقطه نظرات یکدیگر، تفاهم در مورد مسائل مالی) ۴- رضایت جنسی (تلاش برای جلب رضایت جنسی همسر، احترام به خواسته های جنسی همدیگر، اهمیت دادن به مسائل جنسی، صحبت کردن در مورد این رابطه، اشتراک نظر در زمینه روابط جنسی). ۵- مشارکت و همکاری (کمک کردن به همدیگر در کارهای منزل، کمک به همسر در زمینه شغلی، کمک به همسر در انجام وظایف زندگی، کمک به همسر در مسائل اقتصادی) ۶- ارتباط مؤثر (گفتگوی لذت بخش، همدلی، توجه به حرف های طرف مقابل، پرهیز از کنترل کردن همدیگر، تحقیر و سرزنش نکردن همدیگر، توی حرف همدیگر نپردن، گفتگوی منطقی، گفتگوی باز، توان ابراز عواطف و خواسته ها، رک بودن در ابراز خواسته ها، مقایسه نکردن، احترام در حضور جمع) ۷- تصمیم گیری درست (مشورت گرفتن از هم دیگر، توجه به توصیه های یکدیگر) ۸- ایفای نقش کارآمد (انعطاف پذیری در انجام کارها، مشارکت در نقش، وظیفه محور نبودن نقشها) ۹- مدیریت مالی (خسیس نبودن، توافق در مورد خرج کردن، توقعات مالی متناسب با توانایی همسر، قناعت مالی، وحدت مالی، داشتن برنامه مالی مناسب) ۱۰- رشد خود و همسر (تشویق همسر به برنامه



		ریزی، تشویق همسر به رشد و پیشرفت، استقبال از رشد و موفقیت همسر، تلاش برای موفقیت و رشد خود در زمینه تحصیلات و شغل، تقویت نقاط قوت همدیگر، قدردانی و سپاس‌گزاری).
-	عوامل مربوط به خانواده اصلی	حریم سازی و مرز سازی زوجی اجازه ندادن به دخالت‌های بی مورد دیگران، استحکام مرز های خانواده، استقلال در تصمیمات دوتایی، حفظ اسرار زوجی از دیگران، ابراز نکردن مشکلات به بیرون، بی توجهی به دخالت های بی مورد خانواده ها، ایجاد سیستم مستقل زوجی، عدم انتقال مسائل به فرزندان) حمایت خانواده ها از زوجین (حمایت مالی، حمایت عاطفی، حمایت در کارهای منزل، حمایت در نگهداری از فرزندان) حمایت خانواده ها از زوجین (حمایت مالی، حمایت عاطفی، روابط صمیمی و حمایتی با خانواده‌ها و اعضای فامیل، احترام به جایگاه والدین، احترام به دیدگاه‌های خانواده های خود و همسر)
-	عوامل فرهنگی اجتماعی	فضائل اخلاقی و معنوی (همسانی باورهای دینی، تقیدات دینی، پایبندی به اخلاقیات، پرهیز از حسادت به دیگران، پرهیز از کینه و انتقام جویی، توکل به خدا، نوع دوستی، عدم مدگرایی، همسانی فرهنگی، کمک به دیگران، نقش مثبت خدا در زندگی) پایبندی به هنجارها (احترام به هنجارها و ارزش های فرهنگی، رعایت فرهنگ عفاف و حجاب، مقدس دانستن ازدواج، پیروی از احکام دینی)
-	عوامل والدینی	نقش مثبت فرزند (به هم نزدیک شدن زوجین، احساس مسئولیت زوجین، شیرینی زندگی، بهبود رابطه با خانواده همسر، کاهش وابستگی زوجین به خانواده ها، کاهش دعوا، هدفمندی زندگی) کمک فرزندان به والدین (کمک به والدین در کارهای منزل، کمک به والدین در زمینه مسائل اقتصادی، تعدیل خواسته و نیازهای خود، عدم مدگرایی، تلاش در زمینه تحصیلی) کمک والدین به فرزندان (کمک به فرزندان در زمینه تحصیلی و مدرسه، پاسخ دادن به نیازها و خواسته های فرزندان، استفاده از نظرات فرزندان در امور خانواده، مسئولیت دادن به فرزندان، آموزش به فرزندان)
-	راهبردهای مؤثر حل تعارض میان زوجین	جبران (عذرخواهی کردن، قهر نکردن)، برنامه ریزی برای مبارزه با مشکلات احتمالی، بی‌اعتنایی به اختلافات جزئی، حفظ تعادل عاطفی در مواقع بروز مشکلات، گفتن خواسته های خود به همسر به طور مستقیم، کوچک شمردن مشکلات، کنار آمدن و سازگار شدن (پذیرفتن کاستی ها و تفاوت ها، مسائل را بیش از حد بزرگ نکردن، کوتاه آمدن از برخی خواست ها)، اطمینان دادن (اعتقاد به این که قصد و نیت همسر خوب است،

		شوخی کردن، نادیده گرفتن اشتباهات همسر)، حمایت های اجتماعی(کمک خواهی از مشاور، مطالعه منابع، یاری جستن از خداوند، عمل کردن به راهنمایی بزرگترها)
-	راهبردهای مؤثر حل تعارض زوجین با خانواده اصلی	پذیرش نواقص و کاستی های خانواده همسر، قهر نکردن با خانواده های خود، حمایت از همسر در مقابل خانواده خود، چشم پوشی از خطاها و اشتباهات خانواده همسر، رعایت کردن فاصله با توجه به شرایط
-	رضایتمندی از زندگی	رضایت از همسر، رضایت از خود، رضایت از فرزند

## بحث و نتیجه گیری

پژوهشکیفی حاضر به شناسایی عوامل مؤثر بر شکل گیری ازدواج موفق پرداخت..تحلیل داده ها نشان دادکه برای رسیدن به ازدواج موفق و رضایتمند، عوامل گوناگونی دخالت دارند ازجمله: عوامل فردی، عوامل زوجی، عوامل فرهنگی- اجتماعی و عوامل خانواده اصلی و عوامل والدینی.راهبردهای حل تعارض، در دو دسته راهبردهای حل تعارض میان زوجین و راهبردهای حل تعارض میان زوجین و خانواده اصلی بررسی شد. پیامد نهایی پژوهش رضایت از همسر، رضایت از فرزند و رضایت از خود بود که در نهایت رضایتمندی از زندگی را به دنبال داشت.

در ادامه به تبیین یافته های این پژوهش پرداخته می شود. یافته های این پژوهش با یافته های اکثر پژوهشهای دیگر، مخصوصاً پژوهشهای داخل که در زمینه ازدواج موفق صورت گرفته همسو و همخوان است. همان گونه که یافته های این پژوهش نشان داد، شرایط میانجی تاثیرگذار در ازدواج موفق، در این پژوهش عبارت بودند از عوامل فردی، عوامل زوجی، عوامل فرهنگی- اجتماعی و عوامل خانواده اصلی و عوامل والدینی. واضح است که عوامل متعددی می توانند در شکل گیری یک ازدواج موفق مؤثر باشند. وقتی ازدواج رضایتمند و سالم باشد، عملکردها و نقش ها به خوبی ایفا می شوند، طرفین می توانند با مسائل و مشکلات احتمالی به شیوه ی صحیح برخورد کنند، در جهت ارتقای سلامت و بهزیستی فردی و اجتماعی حرکت کنند و از انواع آسیب ها دور باشند(کار،۲۰۰۶ به نقل از حاتمی و رزانه همکاران،۱۳۹۵). در سطح فردی همان گونه که یافته های این پژوهش نشان داد، زوجین موفق، ویژگی های شخصی رامطرح کردند که در رضایت از ازدواج شان مؤثر بود. ازجمله این ویژگی ها می توان به خودآگاهی، دلسوز بودن و مهربانی، مسئولیت پذیری، انعطاف پذیری، صداقت، پختگی هیجانی اشاره کرد. نتایج این بخش از پژوهش با یافته های پژوهش های انجام شده در داخل و خارج همسو همخوان است از جمله: در ویژگی مسئولیت پذیری(کرایی و همکاران،۱۳۹۵، فنل، ۱۹۹۳) خودآگاهی(فتحی و همکاران،۱۳۹۵)، انعطاف پذیری(اینگرام،۲۰۱۰، کرایی و همکاران،۱۳۹۵، باچندوکارون،۲۰۰۱)، صداقت(کرایی و همکاران،۱۳۹۵، فتحی

وهمکاران، ۱۳۹۵، فنل، ۱۹۹۳)، پختگی هیجانی (خدادادی سنگده و همکاران، ۱۳۹۵)، دلسوزی و مهربان بودن (حاتمی و رزنه و همکاران، ۱۳۹۵) همسو و همخوان است.

در سطح زوجی، زوجین موفق بیان داشتند که از ویژگی های خاصی برخوردار بودند که در رضایت از ازدواج شان تاثیر زیادی داشته است از جمله، عشق و تعلق خاطر نسبت به همدیگر (باچند و کارون، ۲۰۰۱، دیکسون، ۲۰۱۳، بروکز، ۲۰۰۶) اطمینان داشتن نسبت به همدیگر (شریسا، ۲۰۱۴)، درک متقابل (گاتمن و سیلور، ۱۹۹۹، کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، باچند و کارون، ۲۰۰۱) رضایت جنسی، (اینگرام، ۲۰۱۰، بروکز، ۲۰۰۶، کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، فتحی و همکاران، ۱۳۹۵) مشارکت و همکاری، مدیریت تعارض (گاتمن و لونسون، ۲۰۰۲، کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، اینگرام، ۲۰۱۰)، ارتباط مؤثر (باچند و کارون، ۲۰۰۱، کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، فتحی و همکاران، ۱۳۹۵) تصمیم گیری کارآمد، ایفای نقش کارآمد، مدیریت مالی (اینگرام، ۲۰۱۰، کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، فتحی و همکاران، ۱۳۹۵) رشد خود و همسر (فتحی و همکاران، ۱۳۹۵). این یافته ها نیز با نتایج مطالعات مختلفی مانند بروکز (۲۰۰۶) گاتمن و لونسون (۲۰۰۲) فتحی و همکاران (۱۳۹۵) با چند و کارون (۲۰۰۱) خدادادی سنگده و همکاران (۱۳۹۳) صاحبدل و همکاران (۱۳۹۴)، اعتمادی و همکاران (۱۳۹۲)، همسو و همخوان است.

در سطح خانوادگی یعنی تعاملات بین زوج ها و خانواده ها، زوجین موفق با حفظ حریم و ابراز نکردن مسائل و مشکلات به خانواده ها تجربه رابطه موفق داشتند. همچنین حمایت خانواده ها از زوجین در زمینه های مالی، عاطفی، فرزند پروری، امور منزل، از عوامل موفقیت آنها در ازدواج بود. همچنین زوجین موفق بیان کردند که آن ها نیز گاهی مواقع به خانواده های خود در ابعاد مالی و عاطفی کمک می نمودند. برخورداری زوجین از این شبکه حمایتی می تواند در مواقع لزوم در کمک به آنها در حل مسائل مختلف سودمند واقع شود و فرصت حضور بیشتر در کنار دیگران و بهره بردن از مزایای روابط اجتماعی سالم را ایجاد کند، بوی (۲۰۰۶). برای این اساس هرچه زوج روابط گرم و صمیمانه ای با خانواده اصلی خود و همسرشان داشته باشد با اقوام خود رفت و آمد کنند و شبکه های حمایتی دوستان و همکاران بیشتری داشته باشند و یا ادراک حمایتی بیشتری از سوی همسر، خانواده، آشنایان و همکاران خود داشته باشند، رضایت بالاتری از ازدواج را تجربه می کنند. نتایج این قسمت از پژوهش با یافته های پژوهش فاطیما واجمل (۲۰۱۲)، گاتمن و لونسون (۲۰۰۲) بوی (۲۰۰۶)، حاتمی و رزنه و همکاران (۱۳۹۵) فتحی و همکاران (۱۳۹۵) همسو و همخوان است. و با پژوهش دانگ و شیائو (۲۰۱۰) مطابقت و همخوانی ندارد. آنچه در این مطالعه تازگی دارد و قابل توجه است نقش معنی دار کیفیت ارتباط زوج با خانواده های اصلی و اهمیت داشتن رضایت مندی آنها در ازدواج است. از مصاحبه با شرکت کنندگان مشخص شد که هرچه قدر خانواده اصلی از همسر و فرزند خود راضی تر باشد و ارتباط گرمی بین آنها وجود داشته باشد، به همان

میزان رضایت از ازدواج نیز بالاتر است. این یافته نیز به روشنی بیانگر فرهنگ خانواده محور کشورمان است که اهمیت خانواده اصلی را در سراسر فرایند ازدواج نشان می‌دهد.

در سطح چهارم یعنی عوامل اجتماعی - فرهنگی، با توجه به اینکه کشور ما دارای خصوصیتی از جمله فرهنگ جمع‌گرایی بوده و ساختار اجتماعی و فرهنگی کشور ما، بیش از پیش، فضائل اخلاقی، معنویت و قناعت را مورد تاکید قرار داده و از فرد گرایی و صفات خودخواهانه دوری می‌جوید. ارزشها باورها، رسوم و هنجارهای حاکم بر یک بافت، علاوه بر دیدگاههای فردی برسبک روابط زوجی نیز اثر گذار است. به نظر می‌رسد توافق در زمینه فرهنگ، ارزشها و باورها موجب تشکیل یک شبکه‌ی اجتماعی جدید بین زوجها می‌گردد که باعث می‌شود آنها مدت زمان بیشتری را با هم سپری کرده و حمایت‌هایی برای یکدیگر فراهم‌آوردند که در نهایت باعث افزایش رضایت‌مندی زناشویی گردد. داشتن اعتقادات و باورهای مشترک باعث می‌شود که نقاط اشتراک رابطه‌ی آنها افزایش یافته و حمایت معنوی بیشتری از یکدیگر در طول زمان داشته باشند. حتی گاهی اوقات، توافق در این زمینه‌ها بر افزایش صمیمیت نیز اثرگذار خواهد بود. طی مصاحبه با زوجین، باور مشترک باعث نزدیکی آنها یا باعث تقویت پیوند ازدواج می‌شود.

. آنچه در این پژوهش تازگی دارد احترام به هنجار و ارزش‌های فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. زوجین موفق بیان داشتند که احترام خاصی برای بزرگترها داشتند و احترام به همسایه را از واجبات می‌دانستند. همچنین زوجین موفق بیان داشتند که در مراسمات شادی و غم فامیل و همسایه شرکت می‌کردند که اینها نشان‌دهنده فرهنگ خاص کشورمان است. یافته‌های این بخش از پژوهش با یافته‌های پژوهش کاسلو و رابینسون (۱۹۹۶)، (لهر، ۲۰۰۶)، فاطیما و اجمل (۲۰۱۲)، صاحب‌دل و همکاران (۱۳۹۳)، خدادادی و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت و همخوانی دارد.

یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز ازدواج موفق براساس نمونه مورد مطالعه در پژوهش حاضر عوامل والدینی بودند. در این پژوهش در ازدواج‌های موفق، فرزند دارای نقش مثبتی بود و از سوی دیگر والدین متناسب با سن به فرزندان خود آموزش‌هایی می‌دادند که به شکل‌گیری مهارتهایی در فرزندان منجر می‌شد و می‌توان گفت که سیستم والدینی در این ازدواج‌ها کارآمد بود. زوجین موفق بیان کردند که داشتن فرزند به رضایت‌مندی بیشتر در رابطه زناشویی آنها منجر شده است. فرزندان احترام خاصی برای والدین داشتند. نتایج این قسمت از پژوهش با نتایج پژوهش باچند و کارون (۲۰۰۱)، نیمتزر (۲۰۱۱)، فنل (۱۹۹۳)، فاطیما و اجمل (۲۰۱۲)، فتحی و همکاران (۱۳۹۵)، حاتمی و ورزنه و همکاران (۱۳۹۵) مطابقت و همخوانی دارد. همچنین زوج‌های موفق شرکت‌کننده در این تحقیق بیان داشتند که گاهی مواقع در زندگی زناشویی خود تعارضاتی پیش می‌آمد که در مواجهه با این تعارضات و حفظ رابطه از روش‌هایی استفاده می‌کردند. شیوه‌ها

و راهبردهای حل تعارض در دوسطح راهبردهای حل تعارض میان زوجین و راهبردهای حل تعارض زوجین با خانواده اصلی بررسی شد. تحقیقات دیگر اغلب روی حل تعارض میان زوجین تاکید می کردند و تعارضات مربوط به خانواده اصلی یافت نشد. این موضوع بیانگر تفاوت فرهنگی میان جامعه ایرانی و به طور کلی، جوامع جمع گرا با جوامع فردگرا است که به علت ارتباط با خانواده های مبداء می تواند منبع حمایتی در رابطه زوجین تلقی شود و هم اینکه به عنوان عامل تعارض و تنش باشد. یافته های این قسمت از پژوهش با یافته های فتحي وهمکاران (۱۳۹۵)، حاتمی و رزانه وهمکاران (۱۳۹۵)، استفورد و کانری (۱۹۹۱) همسو وهمخوان است.

در پایان می توان نتیجه گرفت که ازدواج موفق پدیده ای چند بعدی بوده که با روش های کمی محدود نمی توان به خوبی در مورد آن قضاوت کرد. همچنین رسیدن به ازدواج موفق، اتفاقی ناگهانی نیست بلکه فرایندی است که با گذر از فراز و نشیب های زندگی، زوجین می توانند به آن برسند. و افرادی که از ویژگیهای شخصیتی کارآمد، ویژگی های زوجی کار آمد، سیستم زوج- خانواده کارآمد، سیستم والدینی کارآمد، راهبردهای مقابله با سختی و اختلاف کارآمد برخوردارند، می توانند در این سفر پرفراز و نشیب به مقصد پایداری رضایتمند برسند. این پژوهش به نو به خود با محدودیتهایی نیز رو به رو بود. نمونه مورد مطالعه از طبقات مختلف اجتماعی- اقتصادی شهر یاسوج بودند، لذا تعمیم این نتایج به همه خانواده های ایرانی مستلزم رعایت احتیاط است. از سوی دیگر، ازدواج موفق می تواند از عوامل و متغیرهای بی شمار دیگری متأثر باشد که در این پژوهش به دلیل عدم شناسایی به آنها پرداخته نشده است. پیشنهاد می شود این پژوهش در بافتهای دیگر و فرهنگهای دیگر کشورمان و با نمونه های دیگر تکرار شود. این پژوهش مضامین مهمی برای متخصصان حوزه ازدواج و خانواده و زوجین دارد. با توجه به عوامل شناسایی شده، نتایج پژوهش حاضر به صورت راهنما و موارد بااهمیت درکارگاههای آموزش زوجها یا مراکز پیش از ازدواج ترویج داده شود.

## منابع

بهشتیان، محمد. (۱۳۹۵). «بررسی مقایسه ای ملاک های ازدواج (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ظاهری و دموگرافیک) زوج های در شرف ازدواج دوم با ملاک های آنها در ازدواج اول»، جامعه پژوهی فرهنگی، سال هفتم، شماره دوم، تابستان، ۱۳۹۵، ص ۲۱-۱.

حاتمی ورزنده، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث؛ برجعلی، احمد (۱۳۹۴). «ارائه الگوی ازدواج: پایدار رضایتمند: یک پژوهش گراند تئوری». مجله مشاوره و روان درمانی خانواده، ۱۳۹۵، شماره ۶، ۱۴۹-۱۲۰.

حاتمی ورزنده، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث؛ برجعلی، احمد (۱۳۹۵). «بررسی مقایسه ای ازدواجهای پایدار رضایتمند و ازدواجهای در حال جدایی» مطالعه کیفی» (فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، شماره ۳۵، ۳۹-۷.

خانم محمدی، فاطمه؛ پرتوی، لطیف (۱۳۹۶). بررسی رضایت از زندگی زناشویی در میان زوجین دارای سبکهای سنتی و مدرن و عوامل اجتماعی فرهنگی مرتبط با آن در شهر میاندوآب. مطالعات جامعه شناسی، سال نهم، شماره سی و چهارم، بهار ۱۳۹۶. ص ۱۲۶-۱۰۹.

نجسته مهر، رضا؛ محمدی، زرنگار؛ «تجربه خوشبختی در ازدواج های پایدار: یک مطالعه کیفی». مجله روانشناسی خانواده، ۱۳۹۵، دوره ۳، ۵۹-۲۷.

خدادادی سنگده، جواد؛ نظری، علی محمد؛ احمدی، خدابخش؛ حسنی، جعفر؛ (۱۳۹۳). «شناسایی شاخصهای ازدواج موفق: مطالعه ای کیفی واکتشافی». فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، شماره ۲۵، ۲۸-۹.

دیباچی فروشانی، فاطمه سادات؛ امامی پور، سوزان؛ محمودی، غلامرضا (۱۳۸۸). «رابطه سبک های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض بر رضایت مندی زناشویی زنان»، مجله اندیشه و رفتار، دوره سوم شماره ۱۱ بهار ۱۳۸۸.

فتحی، الهام و همکاران (۱۳۹۵). «ارائه مدل ازدواج رضایتمند در فرهنگ ایرانی: مطالعه نظریه داده بنیاد». فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناسی، دوره دوازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵.

فتحی، الهام و همکاران (۱۳۹۴). «حیطه های تعارض و استراتژی های حل آن در زوجین رضایتمند». فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال ششم، شماره ۲۴.

کارگر، مونا؛ اصغری ابراهیم آباد، محمد جواد؛ (۱۳۹۴). «مقایسه سبک حل مسئله و سازگاری زناشویی در مادران کودک استثنایی وعادی». سال پانزدهم، اردیبهشت ۱۳۹۴، شماره ۲، ۱۳۰.

صاحب‌دل، حسین؛ زهراکار، کیانوش؛ دلاور، علی (۱۳۹۴). «شناسایی شاخص های ازدواج موفق، یک مطالعه کیفی». پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره، ۵(۲)، ۴۶-۳۲.

کرایی، امین؛ خجسته مهر، رضا؛ سودانی، منصور؛ و اصلانی، خالد؛ (۱۳۹۵). «شناسایی عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایتمند در زنان». مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۶، ۱۶۴-۱۲۹.

Abdollahzadeh, H. (۲۰۰۲). Marital satisfaction and equivalence couples.

Congress of Students marriage. Sfehan: industrial university.

Asoodeh, M.H. Khalili, S., Daneshpour, M., & Lavasani, M.GH. (۲۰۱۰).

Factors of successful marriage: accounts from self described happy couples.

*Social and behavioral sciences*. ۵. ۲۰۴۲-۲۰۴۶.

Bachand, L. & Caron, S. (۲۰۰۱). Ties that bind: A qualitative study of happy long-term marriages. *Contemporary Family Therapy*. ۲۳(۱).

Brooks, Prudence (۲۰۰۶). A qualitative study of factors that contribute to satisfaction and resiliency in long-term African American marriages. unpublished doctoral dissertation, our lady of the lake university.

Carr, D., Freedman, V. A., Cornman, J. C., & Schwarz, N. (۲۰۱۴). Happy marriage, happy life? Marital quality and subjective well-being in later life. *Journal of Marriage and Family*. ۷۶.

Dixon, D. C. (۲۰۱۳). Christian spirituality and marital health: A phenomenological study of long-term marriages. A doctoral dissertation in counseling. Liberty University.

Donovan, S. (۲۰۰۴). Stress and coping techniques in successful marriage. Thesis submitted to the faculty of the Virginia Polytechnic institute and State marriage, happy life? University in partial of the requirements for the degree of M.A.

Dung Le, T. M. (۲۰۰۸). Vietnamese Couples' Perceptions of the Factors that Contribute to Satisfaction in Long-Term Marriages. A M.A. Dissertation in social work. University of Manitoba.

Eseré, M. O., Yeyeodu, A., Oladun, C. (۲۰۱۴). Obstacles and Suggested Solutions to Effective Communication in Marriage as Expressed by Married Adults in Kogi State, Nigeria, *Journal Procedia - Social and Behavioral Sciences*, ۱۱۴: ۵۸۴-۵۹۲.

Fatima, M., & Ajmal, M. A. (۲۰۱۲). Happy Marriage: A qualitative study. *Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology*, ۹, ۳۷-۴۹.

Fenell, D. L. (۱۹۹۳) Characteristics of long-term first marriage journal of mental health counseling . ۱۵, ۴۴۶-۴۶۰.

Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (۲۰۰۲) " Generating hypotheses after years of marital follow up: Or how should one speculate? A reply to Dekay, Greeno, and Houck". *Family Process*. ۴۰, ۱۰۵-۱۱۰.

Heller, D., Watson, D., & Ilies, R. (۲۰۰۴). The role of person versus situation in life satisfaction: a critical examination. *Psychological Bulletin*. ۱۳۰(۴).

Ingram, J.R.(۲۰۱۰) Money stories of successful long-term married couples. Pro Quest Dissertations and Theses. Texas woman's university.

Kaslow, F., & Robison, J. A. (۱۹۹۶). Long-term satisfying marriages: Perceptions of contributing factors. *American Journal of Family Therapy*, ۲۴, ۱۵۳-۱۷۰.

Karimi Sani.P., Smaily.M., Falsafinejad. M.R., Shafiabadi.A. Farahbakhsh.K. Ahiaii.K. ( ۲۰۱۰). Providing the content of premarital counselling based on identifying spiritual and moral factors that predict successful marriage in tabrizian couples. *Journal of women and family studies*. ۷, ۱۲۱-۱۳۲.

Lehrer, E. (۲۰۰۶). Age at marriage and marital instability: Revisiting the Becker-Lades-Micheel hypothesis. University of Illinois at Chicago and IZABONN

Long, L., Yang, M.(NS). Counseling and treatment issues in couple. Translator, Nazari A, Khodadadi J, Asadi.

Manap, J., Che Kassim, A., Hoesni, S., Nen, S., Idris, F., & Ghazali, F.( ۲۰۱۳). The Purpose of Marriage Among Single Malaysian Youth, *journal Procedia - Social and Behavioral Sciences*, ۸۲: ۱۱۲ - ۱۱۶.

Myers, J.E., Madathil, J., & Tingle, L.R.(۲۰۰۵) " Marriage satisfaction and wellness in India and the U.S.: A preliminary comparison of arranged marriages and marriages of choice". *Journal of Counseling and Development*. ۸۳: ۱۸۳-۱۹۰



Mohsen Zadeh, F., Nazari, A., & Arefi, M. (۲۰۱۰). father's family Experiences and perceptions of hostile marital conflicts. *Counseling research*, ۱ (۳۸): ۷-۲۴. (Persian).

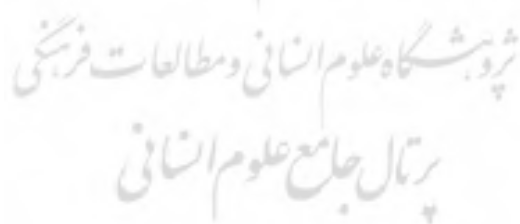
Nazare, B., Fonseca, A., Gameiro, S., & Canavarro, M. C. (۲۰۱۱). Amniocentesis due to advanced maternal age: The role of marital intimacy in couples' decision-making process. *Contemporary Family Therapy*, ۳۳:۱۲۸-۱۴۲.

Nimtz, Mark A.(۲۰۱۱).satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage:a phenomenological study. Doctoral dissertation, ProQuest Dissertations and Theses, Liberty University.

Peleg, O. (۲۰۰۸). The relation between differentiation of self and marital satisfaction: What can be learned from married people over the course of life. *American Journal of Family Therapy*. ۳۶(۵).

Segrin,C. &Flora,J.(۲۰۰۵). Family communication.London:Lawerence Erlbaum associates publishers.

Strauss A.L, Corbin J.M. (۱۹۹۰). Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory. California: SAGE Publications, Inc.



## **Identifying Indices of Successful Marriage: A Qualitative Research, Grounded Theory Study**

Ali derakhsh<sup>۱,۲</sup>, Khaled Aslani<sup>\*۳</sup>, Amin Koraei<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup>-PhD Candidate, Department of Counseling, Khuzestan Science and Research Branch, Islamic Azad University, Ahvaz , Iran.

<sup>۲</sup>-PhD Candidate, Department of Counseling, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

## Abstract

Healthy marriage has an essential role in forming a healthy family. The purpose of this study was to identify successful marriage. This study was done by qualitative research and grounded Theory method. The statistical community of this study were the whole couple of Yasuj city that they had at least 5 years together. Purposeful sampling was used to collect data. Sampling continued until theoretical saturation was obtained. Totally 26 participants (13 couples) which had high marital satisfaction were interviewed in a semi-structured and in-depth method and analyzed using the constant comparative method of Strauss and Corbin.

The results of this study showed that successful marriage factors were made up of a wide range. Identified factors were individual factors, factors related to couples' relation, factors related to couples' main family, social-cultural factors, parental factors. Any of the obtained factors contain different categories. Understanding and identification of the influencing factors in the successful and stable marriage in successful couples can be considered as a model and a direction for couples and will benefit for psychologists and counselors of marriage and will eventually assist to the society's health.

**Keywords:** successful Marriage, individual factors, factors related to couples' relation, main family's factors, social-cultural factors, parental factors.



---

<sup>3</sup>- Invited teacher, Department of Counseling, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

\* Associate professor Department of Counseling, College of Educational and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. Email: kh.aslani@scu.ac.ir

<sup>4</sup>- Assistant professor Department of Counseling, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.